

تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان

مدیر مدرسه در دو سطح خرد و کلان* (علمی - پژوهشی)

دکتر جلال رحیمیان

استادیار دانشگاه شیراز

و

آرزو مؤمنی

چکیده:

در این پژوهش، داستان مدیر مدرسه در سطح خرد و کلان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوهای مورد استفاده در سطح کلان، هلیدی و حسن (۱۹۷۶) و هج (۱۹۹۲)، و در سطح خرد شفایی (۱۳۶۳) و فرشیدورد (۱۳۶۳) بودند.

بررسیهای سطح کلان، نشان داد که داستان از طرح بسیار منسجمی برخوردار بوده و بشکلی بسیار زیبا و ماهرانه، خلق شده و با عناصر تعریف شده در الگوی هج، همخوانی مطلوبی دارد. این داستان، بیان فقر و سرخوردگی، آشوب و تبعیض اجتماعی و فرهنگی در میان دانش آموزان، آموزگاران و جامعه فرهنگی است که در حقیقت، چارچوب فکری آل احمد را در سطح کلان تشکیل می دهد.

نماید. اینگونه تحقیقات، بیشتر در ارتباط مستقیم با تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی است که مطمح نظر زبان‌شناسان است.

از جنبه نظری، می‌توان با تکیه بر قوانین زبان‌شناسی و گفتمانی و همچنین بهره‌گیری از دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و منطقی، به نتایجی قابل اعتماد دست یافت. ما با اعمال شیوه نظری گفتمان در نثر معاصر، بویژه نثر آل‌احمد، به نوعی تحلیل بی‌طرفانه و خالی از عوامل سیاسی، ادبی و اجتماعی خواهیم پرداخت.

از جنبه عملی، کاربرد تحلیل گفتمانی در سبک‌شناسی است. سبک، روش و شیوه خاصی است که گوینده یا نویسنده از طریق آن، درک، اندیشه و احساس خود را با استفاده از زبان بیان می‌کند. تجزیه و تحلیل‌های گفتمانی در نثر معاصر، هم در حوزه ارزیابی ارزش‌های ادبی و هم در زمینه شناخت ابزارهای مؤثر زبانی، کار ساز است. نثر آل‌احمد، ویژگی‌های سبکی مهمی دارد که وی با استفاده از این ویژگی‌ها، مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی را با مهارت به تصویر کشیده است.

این تحقیق، همچنین از اینکه زمینه را جهت تحقیقات بیشتر زبانی و سبکی در خصوص آثار دیگر آل‌احمد، اعم از نمایشنامه، ترجمه، داستان کوتاه، رمان و مقاله برای بسیاری از پژوهشگران فراهم می‌آورد؛ حائز اهمیت است.

۴- پیشینه تحقیق:

۴-۱- تحلیل گفتمان و متن

براون و یول (۱۹۸۳: ۵) متن را، بازنمود سخن می‌دانند و استابز (۱۹۸۳) با تأکید بر گستره جمله‌ای گفتمان و حوزه عمل آن، معتقد است که گفتمان می‌کوشد تا

نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی از جمله تبدلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار دهند.

بسیاری از زبان‌شناسان، اصطلاح تجزیه و تحلیل گفتمانی را برای زبان گفتاری و اصطلاح تجزیه و تحلیل متن را برای زبان نوشتاری به کار می‌گیرند. فرایند گفتمان، دو جنبه تولیدی و دریافتی دارد. فرایند تولیدی، ذهنی است و در قالب متن به مخاطب ارائه می‌شود. این متن در ذهن مخاطب به فرایند دریافتی تبدیل می‌شود و حاصل آن پیامی است که مخاطب از متن دریافت می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱: ۱۳۷۱).

گفتمان، دربرگیرنده واحدهای بزرگتر از جمله است. با بهره‌گیری از قواعد گفتمانی، می‌توان جمله‌های پاراگراف را به شکلی منسجم و مرتبط بیان کرد. در این صورت، سیر خواننده و شنونده از جمله‌ای به جمله‌ی دیگر، براحتی انجام خواهد شد. (صلحجو، ۷: ۱۳۷۷).

هلیدی (۱۹۸۵) ضمن نقش مند دانستن متن، آن را از دو جنبه، قابل بررسی می‌پندارد: متن بعنوان محصول و متن بعنوان فرایند. متن را محصول می‌دانیم، زیرا برونداد است و قابل مطالعه؛ و آن را فرایند می‌انگاریم، چون روند متداولی از انتخاب معناشناسی است. متن بعنوان فرایند، نوعی تبادل نظر است و گونه‌ی زیر بنایی آن، گفتگویی است که میان گویندگان انجام می‌شود.

خلق یک متن منسجم، حاصل تعامل مؤلفه‌های متعددی از جمله عوامل انسجام متنی است. هلیدی و حسن (۱۹۷۶) ساخت متنی زبان را دارای دو مؤلفه می‌دانند: مؤلفه ساختاری و مؤلفه انسجامی.

یارمحمدی (۱۳۷۲) بر این باور است که زبان، دارای دو ساخت است: ساخت خُرد و ساخت کلان. ساخت کلان، به ویژگیهای کُلی گفتمان اشاره دارد و ساخت خُرد، به ویژگیهای ریزتر در سطح جمله می‌پردازد. لاینز (۱۹۸۱: ۳۶) معتقد است:

زبانشناسی خُرد، ساختار دستگاههای زبان را بدون توجه به چگونگی اکتساب زبان، نقشهای زبانی، ارتباط متقابل زبان و فرهنگ، ساز و کارهای فیزیولوژیکی و روانشناختی که در رفتار زبانی دخالت دارند؛ مورد مطالعه قرار می‌دهد.

زبانشناسی کلان، به ارتباط میان زبان و تمامی خصوصیات فرا زبانی در رفتار ارتباطی مربوط است، در حالی که زبان شناسی خُرد، در برگیرنده حوزه‌هایی چون واج شناسی، تکواژشناسی و نحو است. (کریستال، ۱۹-۲۰۹: ۱۹۹۲)

۲-۴- پژوهشهای پیشین

در خصوص تحلیل گفتمانی و متنی، پژوهشهای گوناگونی از زبانشناسان صورت گرفته است. برای مثال، یارمحمدی (۱۳۷۴) به تجزیه و تحلیل رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالد، پرداخته است. وی، سه عنصر مهم توصیف، توصیه و تعلیل را کشف نمود که همان چارچوب فکری شاعر است.

نیرمحمدی (۱۳۶۷)، در چارچوب ارائه شده از سوی هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، به توصیف و تحلیل مقابله‌ای عوامل انسجام متنی در انگلیسی و فارسی پرداخته است. طی این تحقیق، وی دریافت که متون انگلیسی، نسبت به فارسی، از میزان انسجام و پیوستگی کمتری برخوردارند، هرچند که این اختلاف معنادار نبود.

هاشمیان (۱۳۶۸)، به توصیف و تحلیل مقابله‌ای حذف در انگلیسی و فارسی پرداخت و در نهایت، دریافت که الگوهای حذف در دو زبان انگلیسی و فارسی، از جهات بسیار با هم مشابهند و زمینه‌های اصلی تقابل در تواتر برخی از زیرمقوله‌ها و یا در اشکال و تعییرات خاصی است که در زبان دیگر معادلی ندارند. مثلاً: حذف زیرمقوله مفعولی اسمواره و جمله‌واره، در فارسی بسیار رایج است، حال آنکه در زبان انگلیسی معادل مشابه ندارند.

شهبازی (۱۳۷۸) نیز، تحلیلی گفتمانی و متنی در خصوص غزلیات عاشقانه سعدی انجام داد. او دریافت که عامل جانمایی در غزلیات سعدی، وجود ندارد و عامل انسجام واژگانی، بیش از هر چیز در متن به کار رفته است.

۵- روش تحقیق:

۵-۱- داده‌های تحقیق

داستان مدیر مدرسه را، جلال آل احمد در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی، به رشته تحریر درآورد. این داستان، حاوی یکصد و بیست صفحه است. برای دستیابی به عوامل انسجامی و الگوهای نحوی در یک داستان، لازم نیست که تمامی صفحات آن اثر، تجزیه و تحلیل شود؛ زیرا معمولاً نویسنده شیوه استفاده از این عوامل را، طی یک اثربخشی تغییر نمی دهد. از اینرو، ما در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل عوامل فوق، تنها به بررسی حدود نیمی از کتاب بسنده خواهیم کرد. اما در آن بخش از سطح کلان، که به کشف طرح کلی داستان بر اساس هج (۱۹۹۲) مربوط می شود؛ به ناگزیر باید به تجزیه و تحلیل کل کتاب پرداخت، زیرا مضامین داستان به شکل گزارش روزانه مدیر مدرسه‌ای است؛ که وقایع مدرسه را بگونه‌ای متوالی بیان می کند، و گزینش اتفاقی

گزیده هایی از داستان، موجب از هم گسستن کلام و انسجام متن مورد تحلیل خواهد شد.

دلیل عمده انتخاب این داستان برای تحقیق، این است که آثار آل احمد، بویژه مدیر مدرسه، از بارزترین آثاری است که زبان گفتاری و محاوره‌ای فارسی را به طبیعی ترین و دلنشین ترین شکل، به جامعه زبانی ارائه می کند. از همین رو، امید است که نتایج حاصل از تحقیق، الگویی هرچه عملی تر برای داستان نویسان جوان در استفاده از عوامل انسجام بخش در متن داستان، فراهم نماید.

۲-۵- چارچوب نظری و شیوه تحلیل داده‌ها در سطح کلان:

۱-۲-۵- طرح کلی داستان

برای کشف ساخت کلان داستان و ویژگیهای کلی نثر آل احمد، از الگوی هج (۱۹۹۲)، استفاده خواهد شد. وی با تأکید بر عناصر تشکیل دهنده داستان و در نظر گرفتن آنها در تحلیل گفتمانی و متنی داستان، به بیان نقش هر کدام می‌پردازد. هج برای هر داستان، وجود عناصر زیر را ضروری می داند:

۱- زمان وقوع داستان که با عباراتی نظیر *یک روز صبح، امشب، امروز* و

غیره بیان می شود.

۲- مکان وقوع داستان، مثلاً *مدرسه، بیابان، جنگل* و امثال آن.

۳- شخصیتها و نقش هر کدام، همراه با توصیف آنها.

۴- هدف داستان که نویسنده و قهرمانان داستان به دنبال آن هستند.

۵- طرح مسأله، که در داستان مطرح می‌شود و قبل از انتهای داستان، به

نقطه اوج می‌رسد.

۶- **گره گشایی**، که جهت حل مشکل داستان ارائه می گردد و زمینه را برای مرحله نتیجه گیری فراهم می سازد (هج، ۱۶۶-۱۶۵: ۱۹۹۲).

بنابراین، هر داستان، دارای طرحی است که چارچوب داستان را تشکیل می دهد. بر پایه دیدگاه آبرامز (۱۲۷: ۱۹۷۰)، "طرح یک داستان، ساختار کلی آن محسوب شده که خواننده را به تأثیرات احساسی و هنری رهنمون می شود". بر اساس این طرح، طی داستان، مشکلاتی رخ می دهد تا از تحقق هدف جلوگیری شود. همین حوادث و مشکلات، کنجکاوی خواننده را بیشتر می کنند تا اینکه مشکلات به اوج خود می رسد. (هج ۱۶۶: ۱۹۹۲)، در مورد نقطه اوج می گوید: "در داستان، نقطه اوج وقتی اتفاق می افتد که نشان دهد داستان و کلیه وقایع به هدف رسیده اند." و بالاخره براساس (هج ۱۶۶: ۱۹۹۲) نتیجه گیری داستان چنین می باشد:

همانطور که وقایع و اشخاص داستان، ما را در دنیای آن به پیش می رانند؛ لازم است تا پلی وجود داشته باشد تا ما را به عقب براند و مقدمه و پایان داستان را به هم پیوند بزند و یک نتیجه گیری کلی و گاه اخلاقی داشته باشیم. این نتیجه گیری، در حقیقت ارزیابی نویسنده از داستان می باشد که همان پیام داستان است.

هر داستان، دارای موضوع مشخصی نیز هست و فهم داستان با درک کلی ترین جنبه داستان، یعنی موضوع و مضمون آن شروع می شود. موضوع داستان، همواره جایی، کسی یا موقعیتی است. (یونسی ۳۱: ۱۳۷۹).

نکته بسیار مهم در مورد تحلیل کلان یک داستان، در نظر گرفتن محیط داستان است. هج (۱۶۵: ۱۹۹۲) معتقد است: "داستان باید دارای فضایی باشد که تمام وقایع در آن می‌گذرد." آبرامز (۵۷: ۱۹۷۰) می‌نویسد: "محیط داستان، محیطی است که در آن وقایع اتفاق می‌افتند."

شیوه تجزیه و تحلیل داستان در سطح کلان، بطور طبیعی تحلیلی و توصیفی خواهد بود. ما با مطالعه کامل متن، در پی کشف و انعکاس عواملی خواهیم بود که هج برای هر داستان مشخص می‌کند.

۲-۲-۵- عوامل انسجامی

هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، پنج عامل انسجام متنی را برمی‌شمارند که عبارتند از: ارجاع، جانشینی، حذف، عوامل ربطی و تعبیرات واژگانی. آنها همچنین شیوه‌ای جهت تجزیه و تحلیل این عوامل معرفی می‌نمایند. به منظور پرهیز از زیاد شدن حجم مقاله، از بیان تعریف این عوامل خودداری می‌شود، و خواننده را به منبع مذکور ارجاع می‌دهد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای کشف عوامل انسجامی به شرح زیر خواهد بود: ابتدا با مطالعه متن مورد تحقیق، مصادیق عوامل انسجامی، کشف و مشخص خواهند شد. سپس به استخراج، ثبت و دسته‌بندی آنها خواهیم پرداخت. پس از آن، شمار هر کدام از عوامل و درصدهای مربوط را تعیین خواهیم کرد. در انتها، نتایج حاصله با استفاده از جدول، نمایش داده خواهد شد.

۳-۲-۵- چارچوب نظری و شیوه تحلیل داده ها در سطح خرد

الف. الگوهای نحوی

در این بخش از تحقیق، به دنبال کشف مصادیقی از یازده الگوی نحوی در داده ها خواهیم بود که تقریباً در همه توصیفهای دستوری، مورد بحث هستند. این الگوها عبارتند از: نوع جمله از لحاظ ساده یا مرکب بودن؛ شکل جمله از نظر خبری، پرسشی، امری، عاطفی، شرطی، معلوم و مجهول؛ و همچنین جمله از جنبه اسمیه یا فعلیه بودن. شیوه کشف، استخراج، ثبت و دسته بندی الگوها، به همان شکلی خواهد بود که قبلاً ذکر شد.

ب. ساز و کارهای سبکی داستان

در تبیین ساخت خرد، سازوکارها و فنون به کار رفته در داستان، بسیار مهم است. مهمترین این عوامل عبارتند از «توصیف»، «تشبیه»، «اصطلاحات عامیانه» و «نثر شکسته». برای بررسی این عوامل از فرشیدورد (۱۳۶۳) استفاده خواهد شد. تجزیه و تحلیل این عوامل نیز اساساً به همان شکلی خواهد بود که قبلاً بیان شد.

۶- یافته ها و نتایج تجزیه و تحلیل داده ها

۱-۶- سطح کلان

آنچه در باب طرح کلی داستان باید مطرح شود؛ به شرح زیر است:

زمان وقوع داستان، یکی از روزهای آغازی پاییز سال ۱۳۳۶ خورشیدی است.

مکان وقوع داستان، مدرسه تازه سازی در یکی از حومه های تهران است.

نویسنده محیط را بسیار سنجیده انتخاب نموده است. محیط مدرسه، کلاسهای

درس، نهاد آموزش و پرورش، مناسب‌ترین و قابل درک‌ترین مکان جهت انعکاش کامل وقایع و درد دل‌های او می‌باشد:

مدرسه دو طبقه بود و نوساز بود و در دامنه کوه تنها افتاده بود و در کوه بود و آفتابرو بود.... مدرسه هنوز در و همسایه پیدا نکرده بود.... تا سه تیر پرتاب اطراف مدرسه بیابان بود.... مرا گذاشت و رفت با یک مدرسه شش کلاسه نونیاده و یک ناظم و هفت تا معلم و دوستان و منی و پنج شاگرد. دیگر حسابی مدیر مدرسه شده بودم. (آل احمد: ۱۰-۹: ۱۳۷۲)

شخصیتها و نقش هر کدام: شخصیت‌های داستان عبارتند از، خود نویسنده بعنوان مدیر، ناظم و تعدادی معلم و جمعی دانش آموز. معلم کلاس اول، بیشتر به میرزابنویس‌هایماند. معلم کلاس سوم، افکار سیاسی دارد. معلم کلاس چهارم، از لحاظ ظاهر، چیزی از یک مدیر کل کم ندارد، در عین حال، بسیار پرسرو صداست. معلم کلاس پنجم، ژینگولوست. ناظم، همه کاره مدرسه است. دانش آموزان اغلب از خانواده های باغبان و میراب هستند:

ناظم جوان رشیدی بود که بلند حرف می زد و براحتی امر و نهی می کرد و بیا و برویی داشت و با شاگردهای درشت، رویهم ریخته بود که خودشان ترتیب کارها را می دادند.... معلم کلاس چهارم، خیلی گنده بود: دو تایی یک آدم حسابی. لفظ قلم حرف می زد.... معلم کلاس اول، باریکه ای بود سیاه سوخته به ته ریشی و سر ماشین کرده ای و یخه بسته. بی کراوات. شبیه میرزابنویس های دم پستخانه.... معلم کلاس دوم، کوتاه و خپله بود و به جای حرف زدن، جیغ می زد

و چشمش پیچ داشت. . . . معلم کلاس سه، یک جوان تر که ای بود؛ بلند قد و با صورت استخوانی وریش از ته تراشیده و یخهٔ بلند آهار دار. . . . کلاسهای پنج و شش را، دو نفر اداره می کردند. یکی فارسی و شرعیات و تاریخ جغرافی و کاردستی و اینچور سرگرمیها را می گفت که جوانکی بود برتانتین زده با شلوار پاجه تنگ و و آن دیگری که حساب و مباحه و چیزهای دیگر را می گفت؛ جوانی بود موقر و سنگین که مازندرانی به نظر می آمد و به خودش اطمینان داشت. . . . معلم ورزش هم داشتیم که دو هفته بعد دیدمش و اصفهانی بود و از آن چاقها.

.. دوست و سی و پنج تا بچهٔ مردم را پاییدن و معلومات دار کردن و از خان اول گذراندن؛ کار ساده ای نبود. (آل احمد: ۱۵-۱۳: ۱۳۷۲).

هدف داستان: هدف اصلی داستان، انعکاس اوضاع نابسامان تدریس، خرابی امور اداری، هرج و مرج در فرهنگ، وضعیت نامطلوب خانواده‌ها و جامعه، تباهی و سرخوردگیهای اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی، در کلیهٔ نهادهای دولتی است. نمونه های فراوانی برای انعکاس هدف در داستان وجود دارد که به منظور پرهیز از اطباب، به دو نقل قول بسنده می کنیم:

مدرسه آب نداشت. نه آب خوراکی نه آب جاری. با هرزاب بهار آب انبار زیر حوض را می انباشتند که تلمبه ای سرش بود و حوض را با همان پر می کردند و خود بچه ها. . . داد می زدند. جیغ می کشیدند و محتوی جیغ و دادشان، بیشتر فحش و عتاب بود تا خنده و شادی (آل احمد: ۳۴: ۱۳۷۲)

سرو صدای حقوق که بلند می شد؛ معلّم ها مرتّب می شدند و کلاسها ماهی سه چهار روز کاملاً دایر بود. تا ورقه های انجام کار را به دستشان بدهم. (آل احمد ۶۱: ۱۳۷۲)

طرح مسأله: شواهد و قرائین موجود در داستان، خواننده را با حال و هوای روزگار خلق داستان آشنا می سازد. مدیر، که ده سال سابقه تدریس دارد؛ با ارزیابی اوضاع، محیط و جوّ حاکم را بسیار نابسامان و نامطلوب می بیند. وی، شاهد ساکت وقایع ناگوار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در مدرسه و در میان دانش آموزان و آموزگاران و همچنین وجود ناملایمات و اتفاقات ناهنجار فقر و بی نظمی در مدرسه است که تحمل آنها، چندان هم ساده نیست. وی، روز بروز، بیشتر با مسائل تأسّف انگیز فرهنگ روبرو می شود. اوضاع نابسامان تدریس، وضعیّت بسیار نامطلوب معلّم و معلّمی. از همه بدتر، ناظمی که هم خرج بیمارستان مادرش را به عهده دارد و هم دوست دارد به هر قیمتی شده؛ ترفیع، حقّ مدیریت و مقام کسب کند. (ص ۸۷). خرابی امور اداری، هرج و مرج در فرهنگ، وضعیّت نامطلوب خانواده ها و جامعه، تباهی و سرخوردگیهای اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی در کلیّه نهادهای دولتی نیز آزار دهنده است.

مدیر، در یک مقطع، صبرش از نابسامانی اوضاع لبریز می شود و تصمیم به استعفاء می گیرد، اما بنا به دلایلی، منصرف می شود (ص ۸۸). بروز مسائل حاد، وقتی به اوج می رسد که مدیر با اعتراض شدید یکی از اولیاء دانش آموزان، متوجه خطای رذیلانه یکی از دانش آموزان می شود. کار وی باعث آبروریزی کلّ مدرسه می گردد. مدیر، با آگاه شدن از جزئیات عمل فساد آمیز دانش آموز، برای نخستین و آخرین بار، تحمل خود را از کف می دهد و اقدام به تنبیه بسیار شدید دانش آموز می کند.

گروه گشایی: مدیر با از نظر گذراندن سیر قهقرایی امور، طی چند ماهی که بعنوان مدیر، انجام وظیفه کرده؛ و بویژه با مشاهده مورد اخیر، به عمق آلودگی جو آموزش و پرورش و محیطهای مرتبط با آن، بیش از همیشه پی می برد، و در می یابد که اوضاع خرابتر از آن است که وی و امثال وی بتوانند کاری از پیش ببرند. لذا ادامه کار خود را در چنین جو آلوده و نامطلوبی، غیر ممکن می بیند. (صص ۱۲۰-۱۱۸)

نتیجه گیری: مدیر، با توجه به تجربه های تلخی که در این سال تحصیلی، بعنوان مدیر کسب می کند، و با توجه به اینکه قدرت ایجاد تغییر را در خود نمی بیند؛ به این نتیجه می رسد که تنها راه چاره، استعفاء است، و بالاخره، استعفای خود را تسلیم رئیس فرهنگ می نماید. در صفحه پایانی، شاهد تسلیم استعفای مدیر هستیم.

۲-۶- عوامل انسجامی

یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل عوامل انسجامی در جدول (۱) نشان داده شده است:

جدول شماره (۱) عوامل انسجامی داستان

نوع عامل	تعداد	درصد
ارجاعی	۱۳۹۵	٪۴۸/۱
ربطی	۱۲۳۹	٪۴۲/۷
واژگانی	۱۹۴	٪۶/۸
حذفی	۷۲	٪۲/۴۸
جایگزینی	۰	۰
مجموع	۲۹۰۰	٪۱۰۰

همانگونه که جدول نشان می‌دهد؛ تعداد ۲۹۰۰ عامل انسجامی در این متن وجود دارد که بیانگر انسجام و همبستگی بسیار زیاد میان جمله‌های داستان است. عامل انسجام ارجاعی، با تعداد ۱۳۹۵ مورد، به تنهایی، نزدیک به نیمی از کل عوامل انسجامی در داستان را به خود اختصاص داده است. پس از آن، عامل انسجام ربطی، با تعداد ۱۲۳۹ مورد، در رتبه دوم است. عامل انسجام واژگانی با تعداد ۱۹۴ مورد، تنها ۶/۸٪ از مجموع عوامل را به خود اختصاص داده، و سرانجام عامل انسجام حذفی، با اختصاص ۲/۴۸٪ به خود در رتبه آخر قرار دارد. از عامل انسجام جایگزینی نیز اثری دیده نمی‌شود. همانگونه که پیش از این بیان شده؛ هر کدام از انواع انسجام، به نوبه خود دارای عناصر ریزتری هستند که جزئیات آنها در جدولهای (۲) الی (۴) نمایش داده خواهند شد.

۱-۲-۶- عامل انسجام ارجاعی

ارجاع، بعنوان یکی از عوامل انسجام، بر سه نوع است: ضمایر، ادات اشاره و صفات تفضیلی. جدول شماره (۲)، نشانگر شمار و درصد وقوع هر کدام از عوامل یاد شده است:

جدول شماره (۲): انواع ارجاع در داستان

نوع ارجاع	تعداد	درصد
ضمایر (افزونه‌های فعلی)	۹۸۹	۷۰٪
ادات اشاره	۲۵۳	۱۸٪
ضمایر شخصی	۱۱۵	۸٪
صفات تفضیلی	۳۸	۲٪
مجموع	۱۳۹۵	۱۰۰٪

تحلیل داده ها نشان می دهد که ۹۸۹ مرتبه از ضمایر متصل استفاده شده است. این رقم معادل ۷۰٪ کل موارد ارجاعی است. از ضمایر شخصی نیز حدود ۲۵۳ بار استفاده شده است که بیشتر حول من نویسنده است. ادات اشاره و صفات تفصیلی به ترتیب ۱۸٪ و ۲٪ از عوامل انسجام متن را تشکیل داده اند.

۶-۲-۲- عامل ربط

عامل ربط، که در انسجام متن، نقش بسیار مهمی را ایفاء می نمایند؛ در داستان مدیر مدرسه فراوان استفاده شده است. این عوامل، شامل هشت دسته می باشند که عبارتند از: افزایشی، علی، زمانی، نقیضی، شرطی، توضیحی، تخصیصی و امتیازی. ارقام بدست آمده در جدول شماره (۳) نشان می دهد که عامل ربط افزایشی با ۶۵٪ و عامل ربط زمانی با ۱۷٪، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. بنابراین، این دو بیش از سایر عوامل ربطی در انسجام متن داستانی نقش داشته اند.

جدول شماره (۳): عوامل ربطی داستان

نوع عامل ربطی	تعداد	درصد
افزایشی	۸۰۹	۶۵٪
زمانی	۲۱۲	۱۷٪
علی	۶۵	۵/۵٪
نقیضی	۵۰	۴٪
شرطی	۴۵	۳/۵٪
تخصیصی	۲۶	۲/۵٪

توضیحی	۱۸	%۱/۵
امتیازی	۱۴	%۱
مجموع	۱۲۳۹	%۱۰۰

۳-۲-۶- عامل انسجام واژگانی

جدول شماره (۴)، انواع انسجام واژگانی و بسامد آنها را نشان می‌دهد. از میان انواع عوامل انسجام واژگانی، عامل تکرار با %۴۲ بیش از همه در انسجام متن نقش داشته است. سایر عوامل، نظیر همایی با %۱۶، مترادف با %۱۵، متضاد با %۱۰، جزء به کل با %۹ و شمول معنایی با %۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول شماره (۴): عوامل انسجام واژگانی در داستان

نوع انسجام واژگانی	تعداد	درصد
تکرار	۸۰	%۴۲
همایی	۳۱	%۱۶
مترادف	۲۸	%۱۵
متضاد	۲۰	%۱۰
جزء به کل	۱۸	%۹
شمول معنایی	۱۷	%۸
مجموع	۱۹۴	%۱۰۰

۶-۳- سطح خرد:

۶-۳-۱- الگوهای نحوی

مجموع جملات به کار رفته در داده های مورد تحقیق، ۱۴۲۳ است. وضعیت این جملات، بر حسب یازده موردی که پیش از این ذکر شده؛ به شرحی است که در جدول شماره (۵) آمده است.

جدول (۵): الگوهای نحوی داستان

نوع جمله	تعداد
ساده	۳۶۱
مرکب	۱۰۶۲
خبری	۱۳۰۲
پرسشی	۶۳
امری	۸
عاطفی	۲۶
شرطی	۲۴
اسمی	۳۱۳
فعلی	۱۱۱۰
معلوم	۱۳۵۲
مجهول	۷۱

همانگونه که مشاهده می شود؛ بسامد جملات مرکب، بسیار بیشتر از جملات ساده است که این خود با استفاده روزمره و معمول مردم از زبان، در مکالمه های روزمره،

همخوانی کامل دارد. کاربرد جملات معلوم نیز، بسامد بالایی دارد. این مشاهده نیز یکبار دیگر این باور عام را که بسامد جمله های معلوم در فارسی بیشتر از جمله های مجهول است؛ تأیید می کند. بعلاوه، بسامد بسیار بالای جمله های معلوم در داستان، نشان از اصالت کلام و زبان نویسنده دارد.

با مشاهده جدولهای (۶ الی ۹)، می توان به میزان و درصد کاربرد انواع جملات و میزان اختلاف آنها پی برد. به جهت پرهیز از اطباب کلام، از توضیح بیشتر خودداری می کنیم.

جدول شماره (۶): جملات ساده و مرکب داستان

ساخت نحوی	تعداد جملات	درصد
ساده	۳۶۱	٪۲۵
مرکب	۱۰۶۲	٪۷۵
مجموع	۱۴۲۳	٪۱۰۰

جدول شماره (۷): جملات خبری، پرسشی، عاطفی، شرطی و امری

ساخت نحوی	تعداد جملات	درصد
خبری	۱۳۰۲	٪۹۱/۵
پرسشی	۶۳	٪۴/۵
عاطفی	۲۶	٪۱/۸
شرطی	۲۴	٪۱/۷
امری	۸	٪۰/۵
مجموع	۱۴۲۳	٪۱۰۰

جدول شماره (۸): جملات معلوم و مجهول داستان

ساخت نحوی	تعداد جملات	درصد
معلوم	۱۳۵۲	٪۹۵
مجهول	۷۱	٪۵
مجموع	۱۴۲۳	٪۱۰۰

جدول شماره (۹): جملات فعلی و اسمی داستان

ساخت نحوی	تعداد جملات	درصد
فعلی	۱۱۱۰	٪۷۸
اسمی	۳۱۳	٪۲۲
مجموع	۱۴۲۳	٪۱۰۰

۲-۳-۶- سازوکارهای سبکی به کار رفته در داستان

با تجزیه و تحلیل داستان در سطح خرد، تکنیکهای بکار رفته در نگارش داستان در سطح واژه و جمله مشخص شده است. از این تکنیکها، جهت پرواضح نمودن و طبیعی جلوه دادن داستان، استفاده شده است. همانگونه که پیش از این بیان شد؛ در این باب چهار مقوله مورد نظر هستند: اصطلاحات عامیانه، توصیف، نثر شکسته و تشبیه. بسامد هر مورد در جدول شماره (۱۰) قابل مشاهده است.

جدول شماره (۱۰): ساز و کارهای سبکی در داستان

مؤلفه	تعداد	درصد
اصطلاحات عامیانه	۳۲۰	%۴۵
توصیف	۱۸۵	%۲۶
نثر شکسته	۱۳۰	%۱۸
تشبیه	۷۱	%۱۱
مجموع	۷۰۶	%۱۰۰

اصطلاحات عامیانه با میزان %۴۵ و توصیف با میزان %۲۶، بیشترین سهم را در ساز و کارهای سبکی به خود اختصاص داده اند. از اینرو، می‌توان گفت که مهمترین ویژگیهای سبکی آل احمد، استفاده از اصطلاحات عامیانه (زبان کوچه و بازار و زبان محاوره‌ای) و توصیف می‌باشد. نثر شکسته و تشبیه، به ترتیب %۱۸ و %۱۱ از کل سازه‌ها را تشکیل می‌دهند که این کمتر از یک سوم تمام سازه‌هاست.

استفاده از این چهار ساز و کار یا چهار مؤلفه سبکی، برجستگی خاصی را به داستان داده است. زیرا آل احمد، شخصیتها و تیپها را طوری ارائه می‌دهد؛ که کلیه افراد و مکانها، بعد از خواندن داستان، در ذهن خواننده پایدار و استوار بمانند.

۷- نتیجه گیری:

بررسی داستان در سطح کلان و در چارچوب هج (۱۹۹۲)، نشان می دهد که آل احمد با رعایت تمامی ملاکهای مورد نظر هج، اثری بسیار منسجم و ماهرانه بر جای گذاشته است. داستان، با مقدمه ای هیجان انگیز شروع می شود. سپس مسائل رخ می نماید. بعد از آن داستان به نقطه اوج می رسد و در نهایت با استعفای مدیر به پایان می رسد.

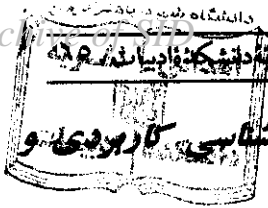
تجزیه و تحلیل عوامل انسجامی، نشان داد که از میان عوامل انسجامی، دو عامل ارجاع و ربط، بیشترین بسامد را دارند، و ۹۰/۸٪ از کل عوامل را شامل می شوند. وجود افزونه های فعلی که بیش از دوسوم کل عوامل ارجاعی را تشکیل می دهند؛ نشان از نزدیکی فراوان سبک داستان به لحن گفتاری است.

تجزیه و تحلیل ۱۴۲۳ جمله بر حسب ۱۱ الگوی نحوی، نشان داد که شمار جمله های مرکب و معلوم، بطور چشمگیری، فراوانتر از جمله های ساده و مجهول است.

تجزیه و تحلیل سازوکارهای سبکی داستان، بر حسب الگوی فرشیدورد (۱۳۶۳) نشان داد که آل احمد، بیشترین استفاده را از اصطلاحات عامیانه و توصیفی داشته است که این دو، روی هم، ۷۱٪ از کل سازوکارهای سبکی را تشکیل داده اند.

منابع و مأخذ:

- ۱- آل احمد، جلال. (۱۳۷۴). *مدیر مدرسه*، تهران: انتشارات فردوس.
- ۲- ریچارد، جک و دیگران. (۱۳۷۲). *فرهنگ توضیحی زبانشناسی کاربردی لاتکمن*.
- ۳- ترجمه وثوقی، ح و میرحسینی، آ. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ۴- شفایی، احمد. (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستوری زبان فارسی*، تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- ۵- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). *کلیات سبک شناسی*، تهران: انتشارات فردوس.
- ۶- شهبازی، ایرج. (۱۳۷۸). *تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی نغزلیات سعدی*، پایان نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۷- صلح جو، علی. (۱۳۷۷). *گفتمان و ترجمه*، تهران: نشر مرکز.
- ۸- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی ج ۱ و ۲*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۹- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). "درآمدی به سخن کاوی". *مجله زبانشناسی*. سال نهم. شماره اول.
- ۱۰- نورمحمدی، اسماعیل. (۱۳۶۷). *توصیف و تحلیل مقابله‌ای عوامل زبانی انسجام متن در انگلیسی و فارسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۱۱- هاشمیان جزئی، حسن. (۱۳۶۸). *توصیف و تحلیل مقابله‌ای حذف در انگلیسی و فارسی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.



۱۲- یارمحمدی، لطف ا... (۱۳۷۲). **شانزده مقاله در زبانشناسی کاربردی و**
توجه. شیراز: نوید.

۱۳- یارمحمدی، لطف ا... (۱۳۷۴). **پانزده مقاله در زبانشناسی مقابله‌ای و**
ساخت زبان فارسی، دستور، متن و گفتمان. تهران: رهنما.

۱۴- یونسی، ابراهیم. (۱۳۶۹). **هنر داستان نویسی. تهران: نگاه.**

Reference:

- Abrams, M. H. (1970). *A Glossary of Literary Terms*. New York: Holt Rinehart & Winston, C.
- Brown, G. & Yule, G. (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, G. & Yule, G. (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chafe, Wallace, L. (1992). "Discourse: an Overview." *International Encyclopedia of Linguistics*, Vol. I. Oxford: Oxford University Press.
- Crystal, D. (1992). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Patslow: T. J. Press.
- Halliday, M. A. K. & Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longmans.
- Halliday, M. A. K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward / Arnold.
- Hatch, Evelyn. (1992). *Discourse and Language Education*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyons, J. (1981). *Language And Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Stubbs, M. (1993) "British Tradition in Text Analysis from Firth to Sinclair." In Baker, M. Francis, H. & Tognini Bonelli, E. (Eds.). *Text & Technology*. Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
- Warner, Alan. (1961). *A Short Guide to English Style*. Oxford: Oxford University Press.